یادداشت

فرصت‌های پیش‌روی ایران در «دوران جدید» چین

حسین ملائک*

● کنگره نوزدهم حزب کمونیست چین بعد از یک هفته بحث و مذاکرات داخلی در تاریخ ۲۵ اکتبر با بیانیه‌ها و تغییراتی در کادر رهبری حزب به کار خود پایان داد. در برگزاری این کنگره‌ها تلاش شده است تعریف و تحلیل جدیدی از تحولات سیاسی جهان، جایگاه چین در سیاست بین‌الملل، مشکلات داخلی و راه‌حل‌های احتمالی و برنامه‌هایی برای توسعه چین ارائه و دورانی را به نام رهبری چین نام‌گذاری کنند. این بار نیز چون گذشته نام‌گذاری‌های جدید و تغییرات در کادرهای حزبی تیتر روزنامه‌های دنیا را به پیروی از ماشین تبلیغاتی چین پر کرد. «دوران جدید»، «شی جین پینگ» دورانی است که بنا بر گزارش ارائه‌شده با تمرکز بیشتر قدرت در دست رهبری و اصلاحات و فسادزدایی در درون حزب کمونیست، هماهنگی بیشتر ایدئولوژیکی، برخورد با فاصله طبقاتی، توسعه اقتصادی، ایده‌های جدید در حکمرانی و سیاست خارجی خود را برای رویارویی با «ناسیونالیسم جدید آمریکایی به رهبری ترامپ» که یگانه خطری است که می‌تواند مانع رشد و توسعه و قدرت‌گیری چین باشد، آماده می‌کند. چین پس از تولید ثروت و اتحاد داخلی اکنون به دنبال قدرت ملی با خاستگاه قدرت نظامی جهانی برای رهبری جهان در سیاست، اقتصاد و حتی محیط زیست است. «دوران جدید» دورانی است که چین خود را برای «ساخت جامعه جهانی با آینده مشترک و صلح و ثبات برای همه ابنای بشر» آماده می‌کند. تحولات و تصمیم‌گیری‌های نوین در چین به ایران چه ربطی پیدا می‌کند؟ تغییرات سیاسی و تصمیم‌گیری‌ها در چین چه تأثیری بر ایران دارد؟

جایگاه چین در روابط خارجی ایران

سکان روابط خارجی ایران حداقل با چین در اختیار سه گروه است؛ یکی سوداگران و پیله‌وران که به دنبال تجارت سنتی و انتقال کالاهایی با «قیمت» مناسب و نه «کیفیت» مناسب به ایران و استفاده از شرایط اقتصادی ایران به نفع خود هستند. این گروه در قالب گروه‌های دوستی با نام‌های مختلف و اتاق‌های بازرگانی با تیترهای متنوع و با تشکیل شرکت‌های متنوع بسیاری از راه‌های ارتباطاتی با چین را در انحصار خود گرفته و با پیداکردن شرکای متناظر خود در چین که آنها هم عناصری سودپرست هستند به سودآوری شخصی مشغول‌اند. برای اینان تغییرات در حزب کمونیست، کنگره اول یا نوزدهم حزب کمونیست، حمله چین به تایوان یا جنگ بین ایران و عربستان اهمیت ثانویه دارد. گروه دوم شامل تعدادی استراتژیست است که همواره در هوای به‌دست‌آوردن قدرت جهانی، به قدرت‌های بزرگ مثل چین و روسیه نیز به‌عنوان ابزاری می‌نگرند که باید خاضعانه و صادقانه وسایل نیل اینان به اهداف خود را بدون چشمداشتی تأمین کنند. اینان با توقعات بی‌حساب معتقدند چین باید همچون یک چک سفید در اختیار بوده و منابع مالی و سیاسی خود را بدون هیچ شرط و شروط یا تنظیماتی روانه ایران کند. این نحوه عملکرد باعث برخورد محافظه‌کارانه چین با ایران شده است. گروه سوم که البته آنتی‌تز گروه دوم است، در اوهام احتمال بلعیده‌شدن ایران توسط چین و روسیه دائما بر طبل متوازن‌کردن چین با اروپا و آمریکا می‌کوبد و سعی دارد رابطه گروه دوم را با چین با موانع اجرائی روبه‌رو کند. برای اینان مهم نیست که چند ده پروژه کوچک و بزرگ روی زمین بماند اما همین که نگذارند توسط چین انجام شود، پیروزی بزرگ روشنفکری است. متأسفانه این سه گروه یکی درست مثل زالو منابع مالی این کشور بیمار را می‌مکد و دو گروه دیگر مانع رسیدن بیمار به دکتر می‌شوند و برایند آن شرایط فعلی است که هیچ‌کس از آن خشنود نیست. البته سخنوران دولتی و خصوصی زیادی وجود دارند که متون زیبایی تحویل جامعه داده و خواهند داد اما واقعا نمی‌دانیم از چین چه می‌خواهیم و جایگاه چین در روابط خارجی ما چیست. به نظر می‌رسد چینی‌ها بعد از تلاش‌های ناکامشان برای تنظیم مراوده خوب با دولت یازدهم به این نتیجه رسیده‌اند که طرف ایرانی فقط به ملاقات با مسئولان رتبه‌اول چینی اقناع می‌شود و موضوعات طرح‌شده در دیدارها اهمیت نداشته و اراده‌ای برای اجرا پس از آن نیست.

پتانسیل‌های چین

چین یک پیشران اقتصادی جهانی از طریق تجارت و سرمایه‌گذاری و فاینانس است و آمارهای موجود ظرفیت بالای این کشور برای همکاری را در همه امور نشان می‌دهد. اما می‌توان به چین از زاویه سیاسی نگاه کرد و از آن طریق مسائل اقتصادی و تجارت را ساخته و پرداخته کرد. غیرقابل‌انکار است که چین به‌وجودآورنده و تضمین‌کننده نظام بین‌المللی چندقطبی است که حیات جمهوری اسلامی احتمالا تنها در این نظام قابل‌دوام است. با استفاده از توازن قدرت چین و آمریکاست که روسیه می‌تواند رقابت خود را با آمریکا در صحنه بین‌المللی سازمان‌دهی کند. از این زاویه می‌توان ارزیابی کاربردی از سخنرانی آقای «شی» در کنگره نوزدهم داد. تحلیل حزب کمونیست چین بر این پایه استوار است که نظام سرمایه‌داری در قرن ۲۱ با بحران‌های زیادی روبه‌رو خواهد بود که منجر به تضعیف قطعی آن می‌شود و نهضت سوسیالیسم به رهبری چین به‌عنوان آلترناتیو سیاسی معتبر نتیجه آن خواهد بود.

*سفیر سابق ایران در چین

*منبع: سایت اینترنشنال

politics@sharghdaily.ir

عربستان، رقیبی که دیگر احتیاط نمی‌کند

کوروش احمدی . کارشناس روابط بین‌الملل

عکس: AFP

مدتی است عربستان سعودی درگیر روندی شده که از بسیاری جهات می‌توان آن را بی‌سابقه و تاریخی نامید؛ روندی که دو وجه دارد: از یک سو، به‌طور جدی متوجه اصلاح نظام سنتی و بسیار محافظه‌کار در داخل است و از سوی دیگر، با ماجراجویی در سیاست خارجی، منطقه را در سراشیبی خطرناکی قرار داده است. این دو وجه همسو و هماهنگ نیستند و دومی می‌تواند اولی را به شکست بکشاند.

اصلاحاتی که باید از مدت‌ها قبل در جامعه سعودی آغاز می‌شد، به‌تدریج با شروع به کار ملک سلمان در دستور کار قرار گرفته است. در خارج از عربستان تقریبا اجماع وجود دارد که محمد بن‌سلمان، پسر ۳۲ساله ملک سلمان، در مرکز این گرایش‌های اصلاحی قرار دارد و در حال ایجاد عربستانی جدید است. واقعیت این است که مدت‌هاست اصلاحات در همه زمینه‌ها در عربستان اجتناب‌ناپذیر شده است. اقتصاد عربستان به‌شدت به نفت وابسته است و قادر به ایجاد شغل برای جمعیت حدود ۳۰میلیونی کشور نیست. بی‌کاری اگرچه رسما حدود ۱۳ درصد است؛ اما اقتصاد سعودی قادر به ایجاد اشتغال مفید و معنادار برای جمعیتی که نیمی از آن زیر ۲۵ سال است، نیست. با توجه به سرعت‌گرفتن اعزام دانشجو به خارج در دوره ملک عبدالله، درحال‌حاضر حدود ۲۰۰ هزار دانشجوی سعودی در دانشگاه‌های خارج به تحصیل اشتغال دارند که ۱۶۵ هزار نفر آنها بورسیه هستند و حدود یک‌چهارم کل آنها دخترند. کسر بودجه امسال، ۹،۳ درصد تولید داخلی و رشد بخش غیرنفتی حدود صفر است. قطع یا کاهش یارانه‌ها و دستمزدها نیز به دلایل سیاسی فعلا منتفی شده است.

به‌علاوه، جامعه بسیار سنتی عربستان مشکل می‌تواند به صورت جزیره‌ای منزوی، جامعه جوان کشور را همچنان در چنبره قیود به‌شدت سنتی خود نگه دارد. بنابراین، طرح‌های اصلاحی هم متوجه ایجاد اشتغال غیرنفتی است و هم بر آن است تا با اعمال برخی محدودیت‌ها بر سنت وهابی، راه را در برابر حداقلی از مدرنیسم و مدرنیته بگشاید. در مورد نخست، جلب سرمایه خارجی و داخلی در در مرکز توجه «چشم‌انداز ۲۰۳۰» قرار دارد و در مورد دوم نیز در یکی، دو سال گذشته، اصلاحاتی انجام شده که با توجه به تعصبات سنتی جامعه و روحانیون وهابی، باید آنها را بسیار مهم به‌شمار آورد. محدودکردن هیئت امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر از طریق محروم‌کردن آن از حق دستگیری افراد و نیز تحولات انجام‌شده در حوزه زنان، در صدر این اصلاحات قرار دارند. «اسلام معتدل» که مدنظر است، می‌تواند سیاست ۴۰ساله دولت سعودی (بعد از واقعه مسجدالحرام در ۱۳۵۸) برای اثبات تعلق‌خاطرش به وهابیت و صدور وهابیت به خارج را تعدیل کند و هم‌زمان از نفوذ آل‌شیخ (روحانیون وهابی) بر آل‌سعود بکاهد.

برای نیل به این اهداف رادیکال، کسب اجماع به روش سنتی غیرممکن می‌نماید و ظاهرا به این دلیل عدول از اجماع‌سازی سنتی و بسیار بطئی بین هفت شاخه آل‌سعود (هفت فرزند ملک عبدالعزیز) و آل‌شیخ ناگزیر است. محمد بن‌سلمان ظاهرا امیدوار است که با بسیج جوانان پیرامون خود و تکیه بر احساسات ضدفساد موجود که مزمن و فراگیر است، بتواند ناراضیان را ساکت یا سرکوب و از الگوی سنتی اجماع‌سازی عدول کند.

اما مسئله این است که دستگیری‌های اخیر برای عدول از اجماع‌سازی سنتی، از حد نیاز فراتر رفته و به شکل تلاش برای ایجاد یک دیکتاتوری فردی بروز کرده است. با دستگیری متعب بن‌عبدالله، گارد ملی نیز مانند ارتش سعودی تحت کنترل محمد بن‌سلمان درآمده و خصلتش به‌عنوان نیرویی که قرار بود مستقل و ضدکودتا باشد، در شرف تغییر است. پیش از این، با حذف امیر نائف، وزارت کشور به‌عنوان ضلع سوم امنیتی، در کنترل محمد بن‌سلمان قرار گرفته بود و اکنون او در رأس تمام نیروهای نظامی با بودجه‌ای حدود ۹۰ میلیادر دلار در سال است. دستگیری رؤسای سه شبکه تلویزیونی شبه‌خصوصی و مقامات و فعالان اقتصادی نیز تنها می‌تواند در رابطه تحکیم قدرت شخصی درک شود.

ما دیگر با عربستانی که در امور خارجی احتیاط را بر تقابل ترجیح می‌داد و در داخل بر ثبات تأکید داشت، مواجه نیستیم. پادشاهی سعودی در یک نقطه عطف تاریخی قرار دارد. علاوه بر بحران‌های یمن، قطر و لبنان، این کشور اکنون با درآمد نفت پایین و نیز مسئله جانشینی مواجه است

سرعت و کیفیت این تحولات و نیز ماجراجویی‌های متعدد در سیاست خارجی، موجب نگرانی در داخل و خارج شده و می‌تواند موجب تضعیف یا فروپاشی پروژه ۲۰۳۰ که اساسا بر مبنای جلب سرمایه خصوصی است، شود. در روزهای اخیر، سرمایه‌گذاران بالقوه، این رفتارها را نشانه بی‌ثباتی داخلی دانسته و تحلیلگران نهادهای اطلاعاتی غربی نیز از احتمال ناآرامی یا حتی کودتا بعد از مرگ ملک سلمان سخن می‌گویند.

سیاست خارجی ابلهانه محمد بن‌سلمان، مبنای دیگری برای نگرانی طرف‌های داخلی و خارجی است. اکنون ریاض با تعدادی پروژه ناتمام و مسئله‌ساز در سیاست خارجی مواجه است؛ جنگ یمن همچنان بی‌نتیجه و بی‌هدف ادامه دارد، محاصره قطر حاصلی در پی نداشته و ماجراجویی اخیر در ارتباط با نخست‌وزیر لبنان نیز بر مشکلات ریاض افزوده است. همه این موارد مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با ایران قرار دارند و ادعای اخیر درباره موشک شلیک‌شده از یمن، حاکی از تصمیم محمد بن‌سلمان به ادامه ماجراجویی‌هایش در ارتباط با ایران است. نوعی ناسیونالیسم سعودی که او بروز می‌دهد و لبه آن نیز متوجه ایران و تشیع است، می‌تواند به‌عنوان ملات جدیدی برای تحکیم همبستگی سعودی در صورت تضعیف سنت وهابی مورد استفاده قرار گیرد. او ظاهرا در این مسیر به حمایت‌های بی‌قیدوشرط ترامپ و تبانی با اسرائیل متکی و دلخوش است. ترامپ سیاست منطقه‌ای خود را به نحوی فزاینده به این شخص گره زده و ماجراجویی‌های او را تشویق می‌کند. توییت‌های اخیر ترامپ در تأیید دستگیری‌ها و سه بار سفر داماد او به ریاض، در این رابطه شایان توجه است. نتانیاهو نیز به‌تازگی برنامه اتمی ایران را رها و تمرکز خود را بر سیاست منطقه‌ای ایران قرار داده است.

واقعیت این است که ما دیگر با عربستانی که در امور خارجی احتیاط را بر تقابل ترجیح می‌داد و در داخل بر ثبات تأکید داشت، مواجه نیستیم. پادشاهی سعودی در یک نقطه عطف تاریخی قرار دارد. علاوه بر بحران‌های یمن، قطر و لبنان، این کشور اکنون با درآمد نفت پایین و نیز مسئله جانشینی مواجه است و هم‌زمان نیز قصد مقابله با ایران را در منطقه دارد؛ چنین وضعیتی همراه با ناسیونالیسم اشاره‌شده، می‌تواند زمینه‌ساز ماجراجویی‌های خطرناک بیشتری باشد.

ادامه از صفحه ۷

راه‌حل مشکل ساختار اجرائی کشور چیست

بدیهی است اجرای این برنامه که مستلزم فرایندی طولانی است، به عزم و تصمیم کلان مدیریتی کشور و جذب کارشناسان و مدیرانی توانمند، بردبار و صبور نیاز دارد.

درباره آینده وزارت راه‌وشهرسازی تجربه جهانی نشان می‌دهد مدیریت کلان حمل‌ونقل کشور به‌علت پراکندگی وظایف در وزارت راه و وزارت کشور و روشن‌نبودن وظایف، هماهنگی برنامه‌ریزی‌های حمل‌ونقلی در سطح کشور و شهرها همواره با چالش‌های مدیریتی و کارشناسی روبه‌رو بوده است.

امروز در بیش از ۵۰ کشور توسعه‌یافته و درحال‌توسعه جهان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان ملی در یک وزارتخانه با عنوان «وزارت حمل‌ونقل» متمرکز شده است و همه دستگاه‌های اجرائی از سیاست‌ها و برنامه‌های متمرکز و هماهنگ پیروی می‌کنند. با وجود تلاش‌های زیادی که در دو دهه گذشته شده، هنوز فاقد طرح‌های جامع حمل‌ونقل مصوب در کشور هستیم تا براساس آنها با پیش‌بینی تقاضای سفر در سطح کشور، تقسیم‌بندی بهینه سفرها بین روش‌های «جاده‌ای، ریلی، هوایی و دریایی» انجام و تأمین انسجام بین الگوی سفرهای درون‌شهری و برون‌شهری امکان‌پذیر شود. براین‌اساس مسائل کلان حمل‌ونقل کشور می‌تواند در وزارت حمل‌ونقل متمرکز شود. مسائل اجرائی زیر سیستم‌های حمل‌ونقل (جاده‌ای، ریلی، هوایی و دریایی) در وزارت راه متمرکز و مسائل کلان مربوط به مسکن و شهرسازی در وزارتخانه جداگانه‌ای می‌تواند پیش‌بینی شود. البته با توجه به وظایف ستادی این وزارتخانه‌ها، سازمان و نیروی انسانی آنها بسیار محدود بوده و از مجموع وزارت راه‌وشهرسازی و سازمان‌های متمرکز در وزارت کشور کمتر خواهد بود.

آنچه در یک نظر کلان مدیریتی و کارشناسی می‌توان یادآور شد این واقعیت است که بدون اصلاح ساختار مدیریتی کشور و مدیریت شهرها امکان پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان و انجام وعده‌های مدیران منتخب و به‌طور مشخص اجرای برنامه‌های توسعه ملی دور از واقع‌بینی است.

رئیس سازمان انرژی اتمی:

اگر برجام به هم خورد، آنها را حیرت‌زده می‌کنیم

ایسنا: روز گذشته مراسم گرامیداشت پنجاهمین سالگرد فعالیت رآکتور تحقیقاتی تهران با حضور دکتر علی‌اکبر صالحی، معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان انرژی اتمی، معاونان، مدیران و پیش‌کسوتان در سالن دکتر حسابی برگزار شد.

صالحی در این نشست گفت: «ما در حال حاضر در امر رادیوداروها قدم‌های بلندی را برمی‌داریم. مسئولان به خوبی کار را پیش می‌برند. در بحث جی‌ام‌پی کار ساختمانی و طراحی‌ها آغاز شده است. این کار، کار بزرگی است و قریب به ۶۰ میلیون یورو هزینه دارد که امیدواریم در چهار سال آینده تکمیل شود و ما در عرصه رادیودارو در چارچوب «جی‌ام‌پی» بتوانیم در غرب آسیا حرفی برای گفتن داشته باشیم».

رئیس سازمان انرژی اتمی در بخشی دیگر از سخنانش به امضای پیمان ان‌پی‌تی توسط ایران اشاره کرد و افزود: «پس از مرور روند تحول علوم و فناوری هسته‌ای، متوجه شدم برای اینکه وارد عرصه فناوری هسته‌ای شویم، با فشار آمریکا باید ان‌پی‌تی را امضا می‌کردیم؛ با این وجود مسئولان وقت سازمان بسیار زیبا حرکت کرده بودند. به این صورت که همه صنعت هسته‌ای را در نظر گرفته بودند؛ نه فقط ساخت نیروگاه بلکه تأمین نیازهای آن را هم دیده بودند».

صالحی افزود: «پیش‌بینی شده بود که اگر نیروگاهی می‌خرند نیروی انسانی لازم و دیگر الزامات از جمله سوخت آن را نیز تأمین کنند تا در ارتباط با ادامه حیات نیروگاه اگر نگویم خودکفا، خوداتکا باشیم. نمی‌شود نیروگاه داشت و میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری کرد و نسبت به سوخت آن بی‌توجه بود. این پیش‌بینی‌ها همه جای تقدیر دارد».

او در جمع پیش‌کسوتان رآکتور تحقیقاتی تهران گفت: «حداقل کاری که انجام می‌دهیم این است که باید رو به جلو حرکت کنیم و به عقب برنگردیم و خشتی بر خشت‌هایی که پیش‌کسوتان روی هم گذاشته‌اند، قرار دهیم». صالحی با مقایسه شرایط پیشین با وضعیت امروز کشور گفت: قبلا در شرایطی بودیم که اگر می‌خواستیم کاری انجام دهیم لاجرم باید سریع انجام می‌دادیم و خیلی زمان نداشتیم. الان زمانی است که می‌توانیم به صورت منطقی جلو برویم. در زمینه سانتریفیوژ از ابتدای خلق فکر ساخت یک سانتریفیوژ جدید تا زمان تولید آن به هشت سال زمان نیاز است و ما هم داریم همین مسیر را طی می‌کنیم و خوشبختانه توفیق زیادی هم نصیبمان شده است. الان با چین و کشورهای دیگر مذاکره می‌کنیم. البته این کشورها یک‌سری شرایط مثل پیوستن به یک‌سری کنوانسیون‌ها، ایمنی و... دارند و ما خیلی شتابی برای پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی نداریم. از این رو با تأمل جلو می‌رویم.

صالحی سپس در زمینه ساخت دو نیروگاه جدید گفت: «دو نیروگاه را در حال احداث داریم. یعنی ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری باید انجام دهیم. به خاطر شرایط آب‌وهوایی نیروگاه‌های بزرگ را باید در جنوب یا در شمال ایجاد کنیم. ولی نیروگاه‌های کوچک را می‌توانیم در محل مصرف ایجاد کنیم».

او درباره ذهنیتی که افکار عمومی از انرژی هسته‌ای دارند، اظهار کرد: «متأسفانه تصور اذهان عمومی از انرژی هسته‌ای غالبا موضوعاتی نظیر سانتریفیوژ و غنی‌سازی است، در حالی که صنعت هسته‌ای کاربردهای دیگری در کشاورزی، صنعت و سلامت نیز دارد. چنانچه درحال‌حاضر دست‌اندرکار احداث یک بیمارستان هسته‌ای هستیم. این هم یک صنعت است و هم دانش که هم عرضه خدمات در سلامت دارد و هم برداشت و استفاده علمی خواهد داشت. ۹۵ درصد از کارهای قراردادی آن به اتمام رسیده است و تنها بخش مربوط به ضمانت بانکی آن با کشور اتریش باقی مانده که در حال انجام آن هستیم. ان‌شاءالله شاهد بیمارستانی مدرن در غرب آسیا خواهیم بود».

نکته

در مذاکرات توجه داشتیم که ممکن بود آنها زیر قرارداد بزنند. به همین علت پیش‌بینی‌هایی را برای برگشت‌پذیری کرده بودیم. ما با خوش‌باوری در مذاکره شرکت نکردیم

رئیس سازمان انرژی اتمی با اشاره به بحث مذاکرات هسته‌ای گفت: «در بحث مذاکرات این توجه را داشتیم که ممکن بود آنها زیر قرارداد بزنند. به همین علت پیش‌بینی‌هایی را برای برگشت‌پذیری کرده بودیم. ما با خوش‌باوری در مذاکره شرکت نکردیم». صالحی با بیان اینکه برجام برای همه طرف‌ها مفید است، تأکید کرد: «برجام برای ما، جامعه بین‌الملل و استحکام‌بخشیدن به ان‌پی‌تی مهم است. اگر برجام به هم بخورد، هیچ کنوانسیونی نمی‌تواند از استحکام لازم برخوردار باشد. امیدواریم این اتفاق پیش نیاید. ولی اگر برجام به هم بخورد، ما آنها را حیرت‌زده خواهیم کرد».